

ORIGINAL ARTICLE

The Rhetorical Function of Jewels in Khaqani Sharvani's Poems

Hasan Shamyani¹ , Samane Jafari² , Mohammad Alizade Meresht³ 

۱. Assistant Professor of Persian Language and Literature Education, Farhangian University, Tehran, Iran.
2. Assistant Professor of Persian Language and Literature Education, Farhangian University, Tehran, Iran.
3. Ph.D. Student of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Kharazmi University, Tehran, Iran.

Correspondence:
Hasan Shamyani
Email: hasan.shamyani @cfu.ac.ir

Received:2023/8/24
Accepted:2024/3/13

How to cite:

Shamyani, H.; Jafari, S.; Alizade Meresht, M. (2024). The Rhetorical Function of Jewels in Khaqani Sharvani's Poems, *Applied Rhetoric and Rhetorical Criticism*, 16 (2), 91-106

DOI: doi.org/10.30473/prl.2025.68961.2087

ABSTRACT

Khaqani's poems are often abstruse, complex, and difficult to comprehend due to their extensive use of terminology from various sciences, allusions, metaphors, and numerous ambiguities. Gemology and medicine are among the fields he frequently referenced in crafting many of his poetic themes. the present study investigates the expressive and rhetorical function of these precious stones in his poetry. The research method employed is quantitative and qualitative content analysis, with the statistical population comprising all verses of Khaqani's Divan. In the quantitative analysis, after classifying and presenting the similes and metaphors related to high-frequency gemstones, it was determined that red stones, particularly "la'l" (ruby/garnet), are the most frequently recurring stones in Khaqani's poetry. Due to their ability to vividly depict the beloved's lips and wine in an amorous context, and tears and blood in elegies, as well as the conciseness of the word, they contain the most similes and metaphors. The qualitative section also discusses the creation of multi-layered similes and metaphors with shared aspects of color and other gemological and medical properties. Additionally, it highlights the creation of artistic literary devices such as compound jinas (paronomasia), ambiguity, and various types of allusions using the names of jewels.

KEYWORDS

Rhetoric, Imaginary Images, Khaqani, Jewels, Precious Stones.



«مقاله پژوهشی»

کارکرد بلاغی جواهرات در اشعار خاقانی شروانی

حسن شامیان^۱، سمانه جعفری^۲، محمد عالی زاده مرشت^۳

۱. استادیار گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

۲. استادیار گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

۳. دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

نویسنده مسئول:

حسن شامیان

رایانامه: hasan.shamyan@cfu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۳

استناد به این مقاله:

شامیان، حسن؛ جعفری، سمانه؛ عالی زاده مرشت، محمد (۱۴۰۲). کارکرد بلاغی جواهرات در اشعار خاقانی شروانی، دوفصلنامه علمی بلاغت کاربردی و نقد بلاغی، ۱۶ (۲)، ۹۱-۱۰۶

DOI:

doi.org/10.30473/prl.2025.68961.2087

چکیده

اشعار خاقانی به سبب اشتغال بر اصطلاحات علوم مختلف، تلمیحات، استعارات و کنایات متعدد، غریب و گاه چند لایه، دشوار و دیرپاب است و گوهرشناسی و طب از جمله علومی است که وی در خلق بسیاری از مضامین شعری خود بدان نظر داشته است. با توجه به نقش پررنگ گوهرها و خواص آنها در ایجاد صور خیال و آرایش کلام شاعر پژوهش حاضر به بررسی کارکرد بیانی و بدیعی این سنگ‌های گران‌بها در اشعار وی پرداخته است. روش پژوهش تحلیل محتوای کمی و کیفی و جامعه آماری کلیه ابیات دیوان خاقانی است. در بررسی کمی، ضمن طبقه‌بندی و ارائه تشبیهات و استعارات طرح شده حول گوهرهای پربسامد، مشخص شد که سنگ‌های سرخ و به طور خاص، لعل، پرتکرارترین سنگ‌ها در شعر خاقانی است و به سبب قابلیت در تصویرسازی از لب معشوق و می در غنا و نیز اشک و خون در رثا و البته کوتاهی واژه، بیشترین تشبیهات و استعارات را دارد. در بخش کیفی نیز به ساخت تشبیهات و استعارات چند لایه با وجه شبه رنگ و سایر خواص گوهرشناختی و طبی و همچنین خلق آرایه‌های هنرمندانه‌ای چون جناس مرکب، ایهام تبادر و انواع مختلفی از تلمیح با استفاده از نام جواهرات اشاره شده است.

واژه‌های کلیدی

بلاغت، صور خیال، خاقانی، جواهرات، احجار کریمه.

مقدمه

یکی از بزرگ‌ترین قصیده‌سرایان قرن ششم هجری که اغلب صاحب‌نظران بر عظمت مقامش در سخنوری و حکمت متفق‌اند، خاقانی شروانی است. وی با بهره‌گیری از علوم چون قرآن و حدیث، نجوم، موسیقی، طب و ... و نیز با ذوق و قریحه سرشار در علوم و فنون ادبی قصیده‌سرایی و حتی غزل‌سرایی را به درجه‌ای از پختگی و فردیت سبکی رسانید که کم‌نظیر است.

افزون بر گستره وسیعی از دانش‌ها که شعر خاقانی را خاص می‌کند، توجه او نسبت به ادبیات و فرهنگ عامه نیز قابل تأمل است. در واقع یکی از زمینه‌های اساسی الهام در شعر خاقانی، زندگی مردم و جلوه‌های عواطف و افکار آنهاست. تحقیقات نشان داده است که باورها و الفاظ عامیانه به کار رفته در قصاید خاقانی گوناگون و متنوع‌اند و گستره تاریخی وجود باورها و الفاظ عامیانه مورد اشاره خاقانی را می‌توان به وسعت تاریخ زندگی بشر دانست... همچنین عمق پذیرش و درونی‌شدن و حتی نهادینه‌شدن برخی از باورها و الفاظ عامیانه موجود در قصاید خاقانی، چه در زمان حیات شاعر و چه در زمان ما، مسأله‌ای است که مورد توجه پژوهشگران قرار دارد (زنگنه و مهرکی، ۱۳۹۹: ۱۵۷).

یکی از علوم که در ایجاد مضامین شعر خاقانی نقش قابل توجهی دارد، علم گوهرشناسی است. «گوهر» واژه‌ای فارسی است که برای سنگ‌های گران‌بها یا احجار کریمه به کار برده می‌شود ولی از دید دانش گوهرشناسی معنی گسترده‌تری دارد؛ «گوهرها، کانی‌ها و یا بلورهایی‌اند که نظر انسان‌ها را به سبب رنگ خوش و یا پدیده‌های نوری مثل درخشش و شفافیت، به خود معطوف می‌کنند ولی اهمیت آنها بیشتر برای داشتن رنگ خوش، سختی زیاد و در ضمن کمیاب‌بودن آنهاست. بر این اساس، واژه گوهرشناسی نیز به معنی دانش گوهرها و یا دانش سنگ‌های گران‌بها و بخشی از دانش کانی‌شناسی است» (منوچهر دانایی، ۱۳۷۶: ۱۸).

جواهرات و برخی از فلزات درخشان و خوش‌رنگ از دیرباز مورد توجه عام و خاص بوده است. البته این امر تنها به سبب زیبایی ظاهری و جنبه تزئینی این کانی‌ها و فلزات نبوده و بیش از این مربوط به خواصی است که قدما برای آنها قائل بودند؛ خواصی چون درمان برخی بیماری‌های جسمی و روحی، دفع چشم‌زخم و حتی تأثیر در وقایع مهمی چون جنگ و آتش‌سوزی.

به اعتقاد قدما هریک از گوهرها غیر از خواص دارویی چنانچه به

عنوان زینت‌آلات مورد استفاده قرار گیرد وسیله‌ای برای پیش‌گیری از بیماری‌ها، خنثی‌کردن چشم‌زخم، رسیدن به خوشبختی، رفا، عزت، احترام و ثروتمندی یا بدبختی و تیره‌روزی صاحب آن خواهد شد. این باور بین مردم کشورهای غربی نیز رواج دارد؛ آنان عقیده دارند که در هر ماه، مزین کردن خود به یکی از سنگ‌های قیمتی باعث خرمی شادی و موفقیت آنها در کار است (زاوش، ۱۳۷۵: ۵۳ و ۵۴).

بر اساس پژوهش حاضر در اشعار خاقانی از تعداد زیادی از گوهرها نام برده شده و در برخی از موارد به انواعی از هریک از این جواهرات نیز اشاره شده است. اگرچه در شعر خاقانی گاه از نام این سنگ‌های قیمتی در معنای حقیقی استفاده شده، در اغلب موارد کاربرد این نام‌ها با غرض بلاغی علی‌الخصوص تشبیه و استعاره همراه است. در بسیاری از موارد نیز شعر خاقانی به داستان‌های مربوط به این سنگ‌ها، شیوه تکوین، محل ایجاد، ویژگی‌ها، خواص طبی و ... تلمیح دارد.

پیشینه پژوهش

از دیرباز پژوهش‌های متعددی بر آثار خاقانی صورت‌پذیرفته و به سبب سبک دشوار و دیرپای وی پژوهشگران بسیاری بر اشعار وی متمرکز شده‌اند. آثاری نیز به طور عام‌تر به باورهای عامیانه در شعر خاقانی و به طور خاص اشارات طبی وی پرداخته‌اند. پایان‌نامه شرافتی‌نژاد (۱۳۸۷) با عنوان «بررسی باورهای عامیانه در دیوان خاقانی»، مقاله «بازتاب گیاهان دارویی در دیوان خاقانی» از مدرسی و فتاحی قاضی (۱۳۹۰)، «پژوهشی در داروهای حیوانی دیوان خاقانی» از مهدوی‌فر (۱۳۹۲)، مقاله زنگنه و مهرکی (۱۳۹۹) با عنوان «خاقانی و باورهای عامیانه درباره جانوران» و مقاله اتحادی (۱۴۰۰) در باب «ارتباط تصاویر حیوانی با عاطفه، روحیات و باورهای خاقانی» از این دستند. رادفر و اسماعیلی تازه‌کندی (۱۳۹۰) نیز در مقاله «مضمون‌سازی با برخی احجار کریمه در شعر شاعران سبک آذربایجانی» اشاراتی به برخی اشعار خاقانی دارند.

در این میان برخی از پایان‌نامه‌ها اختصاصاً به بررسی جواهرات و سنگ‌های قیمتی در دیوان این شاعر پرداخته‌اند که اولاً مثل بسیاری از پایان‌نامه‌های دیگر به استخراج و طبقه‌بندی ابیات در موضوع خاص بسنده کرده‌اند و دوم این‌که به صورت مقاله پژوهشی منتشر نشده‌اند. ذوالفقاری‌وند و انانی (۱۳۹۵) در پایان‌نامه خود با عنوان «جواهرات و بازتاب مضامین شاعرانه و اشارات طبی عامیانه آنها در دیوان خاقانی» کوشیده است ضمن

معرفی اجمالی جواهرات مندرج در اشعار خاقانی، مضامین شاعرانه و جلوه‌های نمادین همچنین اشارات طبّی عامیانه مربوط به آنها را توضیح دهد. صالح نساج (۱۳۹۷) نیز در پایان‌نامه «بررسی سنگ‌ها و فلزات در دیوان خاقانی» به استخراج حدود ۴۵ عنوان سنگ و فلز از اشعار خاقانی پرداخته و این عناوین را به ترتیب الفبایی مرتب کرده است. وی در هر مدخلی پس از معرفی سنگ یا فلز تا حدی، البته نه کامل و با جزئیات، به ذکر آیات و روایات، باورهای عامیانه، خواص، ضرب‌المثل‌ها و صورخیال آن پرداخته است.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش کتابخانه‌ای حاضر که بر پایه تحلیل محتوای کمی و کیفی شکل گرفته، در پی توصیف و تحلیل چگونگی به‌کارگیری گوهرها در ساختار بلاغی اشعار خاقانی است. جامعه آماری پژوهش، کلیه ابیات دیوان خاقانی و واحد ثبت بیت است. بدین منظور ابتدا ابیاتی که در آنها به گوهرها اشاره شده از دیوان شاعر استخراج گردیده، پس از تحلیل و بررسی اولیه، تشبیهات، استعارات، تلمیحات و انواع آرایه‌های بدیعی موجود در ابیات مشخص و طبقه‌بندی شده است. در پایان نیز بر اساس یافته‌ها به تشریح و تبیین کارکرد بلاغی جواهرات در اشعار خاقانی پرداخته شده است.

یافته‌های پژوهش

شعر خاقانی فنی و سرشار از تشبیهات، استعارات و آرایه‌های بدیع، پیچیده و چندلایه، اصطلاحات علمی و تلمیحات گوناگون است. به تعبیری می‌توان گفت شعر این شاعر، شعر خواصی است که به مدد آشنایی با فنون ادبی و نیز دانش‌های گوناگون قادر به درک شعر او و لذت بردن از آنند. عشق و اشتیاق خاقانی به درج دانسته‌هایش در شعر، دیوان او را به صورت دایره‌المعارفی از علوم مختلف درآورده است (معدن کن، ۱۳۷۲: ۱۴).

در سبک این شاعر، مکتب آذربایجانی، فاضل‌نمایی و اشاره به علوم مختلف و تلمیحات گوناگون از جمله به آداب و رسوم مسیحیت، اشاره به فولکلور و عقاید عامیانه از جمله طب و نجوم و جانورشناسی عامیانه مطرح است. به نحوی که این مکتب غالباً محتاج شرح و تفسیر است (شمیسا، ۱۳۷۴: ۱۴۳). در واقع اگرچه شیوه بیان خاقانی بر پدید آمدن معنی‌های ناآشنا و آفریدن تعبیرهای تازه مبتنی است و دقت در توصیف که موجب

تشبیه‌های غریب و تعبیرهای بی‌سابقه است و غور در مناسبات لفظی و معنوی که سبب معانی نو و صنایع بدیع می‌شود از مزایای طرز اوست (زرین کوب، ۱۳۷۴: ۱۹۴-۱۹۳)، باید توجه داشت که تنها بازی‌های زبانی، صور خیال بدیع و آرایه‌های دشواریاب نیست که شعر خاقانی را پیچیده و دیریاب ساخته بلکه احاطه بر دانش‌های گوناگون از جمله گوهرشناسی و شناخت عقاید عامه و سنت‌های طبّی مربوط به آن که موضوع این مقاله است در این امر نقش مؤثری دارد.

در شعر خاقانی گاه در توصیف اشیائی چون تخت پادشاهی، تاج مرصع، تابوت فرزند و ... به زیبایی از گوهرهای مختلف نام برده شده که موجب مراعات نظیر شده و لازمه تجسم آن، شناخت گوهرهاست. اما افزون بر کارکرد نام گوهرها در معنای حقیقی، در شعر خاقانی در موارد بسیاری با تصویرسازی‌های هنرمندانه‌ای بر پایه شباهت به جواهرات در ساختار تشبیهی و استعاری مواجهیم و از آنجا که خاقانی از نظر آفرینش استعارات بدیع در شمار خلاق‌ترین شعرای فارسی‌سراست، بررسی این مسأله در شعر او نقش بسزایی در تحلیل سبک بلاغی شاعر خواهد داشت.

علاوه بر کشف شباهت‌های غریب که در مورد صور خیال مربوط به جواهر در شعر خاقانی گه‌گاه با آن مواجهیم، تغییر در ساختار تشبیه و استعاره یکی دیگر از وجوه خلاقیت شعری خاقانی است که باعث دیریابی اشعار او شده است. گاهی تعدد تشبیهات و استعارات، بیت را پیچیده می‌سازد و گاه ارتباط کشف کرده او بین دو شیء در چند لایه ارتباطی شکل گرفته است (ر.ک. مشهدی، ۱۳۸۹) و مخاطب برای پی بردن به منظور شاعر باید تمام این ارتباطات را دریابد. برای مثال در مصراع «لعل تو طرف زر است بر کمر آسمان» (خاقانی، ۱۳۸۲: ۴۸) لعل که خود در مقام استعاره از لب معشوق است، شبه تشبیهی دیگر قرار گرفته یا در بیت زیر تشبیهات و استعاره‌های متعدد با وجه شبه استخدامی در هم تنیده شده که می‌توان آن را از مختصات سبک بلاغی خاقانی برشمرد.

جام چون گل عطر جان آمیخته/لعل با زر در دهان آمیخته
(همان: ۴۹۱)

در این بیت جام به گل مانند شده است با این وجه شبه که لعل و زر را در دهان خود با هم آمیخته است و این درحالی است که وجه شبه استخدامی این تشبیه خود بر پایه استعاره است. ابیات ذیل نیز از این دستند:

که تشبیه ملفوف ممدوح به حجرالاسود و دیگر سران به رخام مورد نظر است.

در ابیاتی چون «از بلورین جام عکس می همان انگيخته/دیده باشی عکس خورشید آتش‌انگیز از بلور» (همان: ۳۹۳) نیز با تشبیه‌های مرکب زیبایی مواجهیم که اگرچه پرتعداد نیستند، نشان‌دهنده قدرت شاعر در تصویرآفرینی با استفاده از ویژگی‌های گوهرهاست.

اما در این میان تعداد تشبیهات مضمّر که با سبک دشوار و پیچیده‌سرایی خاقانی هماهنگی دارد قابل توجه است:

خاک درگاهت دهد از علت خذلان نجات/کاتفاق است این که از یاقوت کم گردد وبا (همان: ۲۲)

که ضمن اشاره به خاصیت یاقوت در دفع بیماری وبا، خاک درگاه ممدوح را به یاقوت شفافبخش مانند کرده است.

در مصراع‌های زیر نیز به شکل مضمّر در ساختار تشبیهی و استعاره، خون به لعل مانند شده و نکته جالب آن، تکرار عبارت «لعل قبا» است:

دیده را دوختن لعل قبا فرمایم (همان: ۹۱۰)

تا زخون جگرش لعل قبا آرایم (همان)

ز خون خلق تو خاکی نگشته لعل قبا (همان: ۱۱)

تشبیه مضمّر گوهرها در شعر خاقانی گاه با تفضیل نیز همراه است. برای مثال در مصراع «در خوشاب را لبست سخت خوش آب می‌دهد» (همان: ۶۱۵) تشبیه مضمّر تفضیلی لب یار به در خوشاب قابل توجه است.

در مواردی نیز در خلق صور خیال با استفاده از جواهرات در شعر خاقانی با تشبیه جمع مواجهیم:

معانی‌اش همه یاقوت بود و زر یعنی/مفرح از زر و یاقوت به برد سودا (همان: ۳۰)

در موارد معدودی چون بیت «کیمیای جان نثار آورده بر درگاه شاه/با عقیق اشک و زر چهره و در ثنا» (همان: ۲۲) نیز تشبیه مفروق البته به شکل اضافی وجود دارد.

این تنوع و نوآوری در استعارات شعر خاقانی نیز نمود دارد. کاربرد استعارات متعدد و چند لایه از مهم‌ترین این ویژگی‌هاست که پیش‌تر بدان اشاره شد. اما نکته قابل توجه دیگر در بحث

بهر دستینه رباب از جام و می/زر و بسد رایگان برخاسته (همان: ۴۷۶)

چو قوس قزح جام بینی ملمع/ز پیروزه لعل بدخشان نماید (همان: ۱۲۸)

در بیت «بستان ز ساقی جام زر هم بر رخ ساقی بخور/وقت دو صبح آن لعل تر در ده سه گردان صبح را» (همان: ۴۵۱) نیز در تشبیهی مضمّر رخ ساقی به صبح مانند شده و جام زر، استعاره از خورشیدی است که برآمدن آن صبحی دیگر است. ضمن آن که صبح دیگر می‌تواند در معنای حقیقی به وقت صبح و هنگام صبحی اشاره داشته باشد. در این میان لعل تر که خود استعاره از شراب است به صبح سوم نیز تشبیه شده است.

از دل و رخسارشان خوردند چندان کرکسان/کز شبه منقار و از زرنیخ ژاغر ساختند (همان: ۱۱۵)

در این بیت نیز ضمن تشبیه ملفوف دل و رخسار به شبه و زرنیخ، منقار کرکسان به شبه و ژاغر به زرنیخ مانند شده است.

بررسی صور خیال شعر خاقانی نشان می‌دهد که گویی شاعر با تکرار چنین مضامین بدیعی در شعر خود مشکلی نداشته و بعضی از آنها چون مورد ذیل را چندبار در اشعار خود تکرار کرده است:

از نثار خون دل در راه او/کرکس شب کبک منقار آمده است

از مژه در نعل اسبش دوختن/نعل اسبش لعل مسمار آمده است (همان: ۵۱۵)

از بس که لب‌های سران بوسد سم اسبش عیان/چون جویم از نعلش نشان مسمار مرجان بینمش (همان: ۴۵۵)

نکته قابل توجه دیگر، انواع مختلف تشبیه به لحاظ شکل است که با استفاده از ظرفیت نام و خواص جواهرات در شعر خاقانی نمود یافته است. از این میان ساخت تشبیه ملفوف با به‌کارگیری دو یا چند گوهر در ایجاد صور خیال، بسامد دارد:

سم آن خر به اشک چشم و چهره/بگیرم در زر و یاقوت حمرا (همان: ۲۶)

که تشبیه ملفوف اشک به یاقوت و چهره به زر در آن مشهود است.

او و همه جهان مثل زمزم و خلاب/او و همه سران حجر الاسود و رخام (همان: ۳۰۲)

احساسات خود را اعم از خشم و نفرت، خوشحالی، ترس و ... نشان داده‌اند. از دیدگاه معناشناسی، رنگ‌ها علاوه بر معنای ظاهری مفاهیم دیگری نیز دارند. آنها نشان‌دهنده انگیزه‌های درونی انسان‌ها هستند. البته همان‌طور که ضمیر ناخودآگاه جمعی باعث واکنش‌های متفاوت فرهنگ‌ها به پدیده‌ای واحد می‌شود، رنگ‌ها نیز در فرهنگ‌های مختلف دارای مفاهیم متفاوت و حتی متناقضی هستند و هر فرد متناسب با تجربیات اجتماعی و فرهنگی خود که از آن با عنوان «پشتوانه فرهنگی» یاد می‌شود از رنگ‌ها برداشت ویژه خود را دارد. درواقع، هر رنگ شخصیت روانشناختی کاملاً مستقلی دارد (عطاری و فلاحی، ۱۳۸۲: ۶).

بنابراین، بررسی رنگ‌ها در شناخت شخصیت افراد بسیار مؤثر است. امروزه براساس قواعد جدید علم روانشناسی، به رنگ‌ها در شناخت شخصیت انسان‌ها بسیار توجه می‌شود. پس از بررسی و تبیین ضمیر ناخودآگاه انسان در روانشناسی جدید، در قرن بیستم، یونگ به مفاهیم نمادین رنگ‌ها نیز توجه کرد و با تشویق بیماران خود به استفاده از رنگ‌ها در نقاشی، میان ضمیر ناخودآگاه و بخش آگاه آنها ارتباط برقرار کرد (سان، ۱۳۷۸: ۵۸).

خاقانی که خلق تشبیهات و استعارات جدید هنری از ویژگی‌های اصلی بوطیقای او به حساب می‌آید، در انتقال عاطفه خود در باب مرگ فرزندش کمال هنر خود را به کار گرفته و تمامی تصاویر، استعارات و تشبیهات در مسیر انتقال هنرمندانه عاطفه او به خواننده ارائه شده است.

در این بین، عنصر رنگ نیز در کنار کارکرد روانشناختی، کارکردی هنری یافته است. پس از آنکه ضمیر ناخودآگاه خاقانی، براساس احساسات و عواطف او درقبال مرگ فرزندش، رنگ‌های سرخ و سیاه و زرد را انتخاب می‌کند، آگاهانه این رنگ‌ها را در مسیر نبوغ و خلاقیت خویش به کار می‌گیرد (پاشایی فخری، پاشایی و دهقانی، ۱۳۹۵: ۴۷). افزون بر اشک و دل خونین، جایگاه می و وصف زیبایی لب معشوق و ممدوح در غزلیات و قصاید خاقانی نیز بر تکرار این رنگ با تصویرسازی‌های مختلف افزوده است.

در این میان، لعل که جواهری از اشیاء یا قوت است با دلایل احتمالی علاقه خاص شاعر، کارکرد بسیار در سنت‌های ادبی پیشین و حتی تک‌هجایی بودن کلمه و سهولت استفاده از آن در دل وزن‌های مختلف، بسیار مورد توجه شاعر بوده است.

استعارات خاقانی، استفاده از «استعاره ترکیبی» است. در زبان‌شناسی شناختی استعاره -بر خلاف نظر ارسطو- امری صرفاً زبانی و در حد واژگان نیست... و استعاره به عنوان یک بیان زبانی دقیقاً به این دلیل میسر می‌شود که در اصل ریشه در نظام تصویری انسان دارد (گلفام، ۱۳۸۱: ۶۳).

استعاره اگرچه نوعی تشبیه یا مجاز است، نسبت به مجاز عنصری پیچیده‌تر است (احمدی، ۱۳۸۶: ۸۲). در شعر خاقانی از میان صنایع بیانی استعاره بیشترین کاربرد را دارد (کزازی، ۱۳۶۸: ۲۲۶). اما یکی از هنرورزی‌های خاقانی که توانسته آن را در خدمت استعاره درآورد «ترکیب‌سازی» است که همواره مورد توجه خاقانی‌پژوهان بوده است (خاقانی، ۱۳۷۳: ۵۵). ترکیب این دو در شعر خاقانی منجر به خلق «استعاره‌های ترکیبی» بسیاری شده که ساخت مواردی از آنها با نام گوهرها همراه است. استعاره ترکیبی معمولاً از کنار هم قرار گرفتن سه واژه ساخته می‌شود... ترکیبی شامل چند اسم به جای یک واژه که به تنهایی هیچ کدام از آنها نیست (پارسا و پناهی، ۱۳۹۰: ۳۲). ترکیب‌هایی چون «یاقوت بلورحقه» در بیت «یاقوت بلورحقه پیش آر/خورشید هوا نقاب درده» (خاقانی، ۱۳۷۳: ۶۶۱) به استعاره از می یا «مرغ یاقوت‌پیکر» در بیت «قفس آهنین کنند و در او/مرغ یاقوت‌پیکر اندازند» (همان: ۴۶۶) به استعاره از آتش، از این دست است.

بررسی کمی کارکرد بیانی جواهرات

در میان جواهرات مختلف، خاقانی بیش از همه از جواهرات سرخ‌رنگ چون لعل، یاقوت، عقیق، مرجان و ... برای تصویرسازی در اشعارش استفاده کرده است. البته به طور کلی این رنگ و رنگ‌های نزدیک به آن در جواهر، قبولی عام و گسترده دارد اما این مسأله با روانشناسی شعر خاقانی و سنت‌های ادبی مورد علاقه و پرکاربرد او نیز ارتباط دارد. رنگ‌ها به منزله یکی از عناصر اصلی طبیعت از دوران کهن توجه ذهن زیبایی‌شناس انسان را به خود جلب کرده‌اند. آنها در عواطف انسانی بسیار مؤثرند و سرچشمه و منبع اصلی برخی عواطف و افکار انسان‌ها هستند. حتی از دیدگاه برخی روانشناسان، تأثیر رنگ بر انسان از تأثیر صدا بیشتر است (فلمار، ۱۳۷۶: ۱۴).

براساس قدرت و تأثیر رنگ، شاعران نیز از دیرباز توجه خاصی به آن داشته‌اند و در کنار کارکرد هنری رنگ‌ها در خلق تصاویر شاعرانه و تشبیهات هنری، از ویژگی تأویل‌پذیری رنگ‌ها نیز در انتقال عواطف ویژه خود بسیار بهره برده و به وسیله آنها

در مورد عقیق نیز تنها مورد متفاوت استعاره «شکر عقیق رنگ» از «لب یار» است.

جدول ۳. کارکرد بیانی عقیق در اشعار خاقانی

نوع کاربرد	مثال‌ها
تشبیه‌ها	لب، اشک، چشم خونین شاعر،
استعاره‌ها	لب، اشک، می
صفت مرکب	عقیق رنگ

افزون بر این جواهرات پرکاربرد، تأثیر رنگ سرخ بر تصویرسازی در شعر خاقانی را در شباهت لب (۴)، می (۲) و خون (۱) به مرجان/بسد سرخ و نیز شباهت خون (۱) و رخسار برافروخته (۱) به بیجاده می‌توان دید. البته مرجان به سبب نوع سپید رنگ آن، در شعر خاقانی به استعاره از «دندان» نیز آمده است.

مرورید نیز گوهری است که خاقانی در شعر خود با نام‌های مختلف لؤلؤ، در، جمان، خوشاب، گوهر شاهوار و ... بسیار از آن بهره برده است. وی به لحاظ شفافیت، «اشک»، «باران»، «لب یار» و با توجه به ارزشمندی این گوهر، «شعر خود» را بارها بدان مانند کرده است.

خاقانی و بحر سخن و حضرت خاقان/لطفش صدف و این غزلش در بهایی (خاقانی، ۱۳۸۲: ۴۳۵)

در این میان تصاویری چون بیت زیر نیز قابل توجه است:

حلقه درج ترنج گشت پر از سیم خام/شد شکمش چون صدف پر گهر شاهوار (همان: ۱۸۳)

ساختار بلاغی پرکاربرد دیگر در شعر خاقانی مربوط به ترکیبات اضافی و وصفی متنوع از فیروزه است که همگی استعاره از آسمان دارد. برخی از این تعبیرات که نشان‌دهنده توانایی شاعر در خلق تصاویر متنوع و گاه بی‌سابقه است عبارتند از: خاتم فیروزه، پیروزه گنبد، پیروزه پنگان، هفت خیمه پیروزه (۲)، طارم پیروزه، پیروزه تشت، پیروزه پیکر بادبان، دخمه پیروزه وطا، کاسه سرنگون پیروزه، گنبد پیروزه و ...

علاوه بر فیروزه، خاقانی در استفاده از گوهرهای آبی‌رنگ، به شباهت آسمان به لاجورد به شکل ساده و نیز در ترکیب «سقف لاجورد» (۲) توجه دارد. البته با توجه به کبودی لاجورد، این

جدول زیر میزان استفاده خاقانی از این گوهر ارزشمند در صور خیال گوناگون را نشان می‌دهد.

جدول ۱. کارکرد بیانی لعل در اشعار خاقانی

نوع کاربرد	مثال‌ها
تشبیه‌ها	خون (۷)، لب (۵)، اشک (۴)، می (۴)، نعت نبوی، لعاب گاو (۲)، لب کفات، گلبرگ گل سرخ
استعاره‌ها	لب (۵۳)، می (۱۵)، گل سرخ (۳)، اشک (۲)، خون، اشعه خورشید، سخن خاقانی
وصف به اسم	لب لعل (۴)، اشک لعل، می/شراب لعل (۴)
صفت مرکب	لعل غیب، لعل قبا

چنان‌که مشاهده می‌شود شاعر در ایجاد صور خیال شعر خود تأکید خاصی بر شباهت لب یار به لعل دارد و نمود این شباهت بیشتر به شکل استعاری است و البته بر وجه غنایی و تغزلی شعر خاقانی صحنه می‌گذارد. تصویر دیگری که خاقانی بارها با استفاده از لعل ساخته مبتنی بر شباهت می به لعل است که باز هم بیشتر جنبه استعاری آن مطرح است. تصاویر پرکاربرد بعدی که نشأت‌گرفته از ماتم و داغ پسر و سایر مصائب وارد بر این شاعر مرثیه‌سراست بر مبنای شباهت اشک و خون به لعل ساخته شده است. اما شاعر افزون بر رنگ سرخ لعل بر ارزش بالای آن (در تشبیه سخن خود و نعت نبوی به لعل) و نیز به نوع زرد لعل (در تشبیه به لعاب دهان گاو) نیز نظر داشته است.

گوهرهای سرخ بعدی یاقوت و عقیق اند که البته با بسامدی بسیار کمتر، از نظر کارکرد بلاغی در شعر خاقانی شباهت بسیاری به لعل دارند و تنها مورد تفاوت آنها استعاره‌های «مرغ یاقوت‌پیکر» از آتش و «کان یاقوت» از وجود ممدوح است.

جدول ۲. کارکرد بیانی یاقوت در اشعار خاقانی

نوع کاربرد	مثال‌ها
تشبیه‌ها	لب، اشک (۲)، خاک درگاه، معانی اشعار، می (۲)، خاک پا
استعاره‌ها	لب (۵)، می (۳)، شعر شاعر، گل (۲)، وجود ممدوح، آتش
صفت مرکب	یاقوت لب، یاقوت پیکر

شاعر دل ماتم زده خویش را نیز به لاجورد تشبیه کرده است.

گوهر دیگری که در ساخت تشبیهات و استعارات خاقانی نقش نسبتاً قابل توجهی دارد، الماس است. خاقانی با توجه به بهاء، رنگ و سختی و برندگی الماس، «وجود ممدوح»، «اشک» (۵)، «باران»، «آلت مردان» و «سختی‌ها و مصائب» را به استعاره بدان مانند کرده است.

بلور نیز در تصویرآفرینی خاقانی پرکاربرد و بدعت‌آفرین است. وی در استفاده از بلور به شفافیت و شکنندگی آن توجه دارد. از این رو «دل خود» (۲) و «سبحه‌های بلور» را به «جام بلور» مانند کرده و در بیتی نیز بلور استعاره از «آسمان» است. تصویر بدیعی که خاقانی با استفاده از این گوهر خلق کرده تعبیر «ده بلورین ماهی آبدار» به استعاره از انگشتان چنگی است:

چنگی به ده بلورین ماهی آبدار/ چون آب لرزه وقت محاکا
برافکند (همان: ۱۳۵)

وی همچنین تعبیر «تیر بلور» را به استعاره از شبنم به کار برده است.

گوهرهای سیاه و تیره نیز در شعر خاقانی نمود یافته‌اند. «خال بتان» به «حجرالاسود» تشبیه شده، «جزع» به استعاره از «چشم سیاه» (۹) و «زلف» (۲) یار به کار رفته، «شبه‌گون شیشه» استعاره از «دل دشمنان» است و «خماهن» استعاره از «آسمان شب». در یک مورد نیز شاعر «ستایش دونان» را به «خماهن» مانند کرده است که افزون بر سیاهی به کم‌ارزش بودن آن اشاره دارد.

بهر دو نان ستایش دونان کنم مباد / کاب گهر به سنگ خماهن
درآورم (همان: ۲۴۲)

افزون بر موارد بیان شده در بعضی از تشبیهات خاقانی، وجه شبه، کارکرد گوهر است. برای مثال در شعر وی، «انسان نکوعهد»، «خاک درگاه ممدوح» و «خاک ری» با تشبیه به توتیا روشنایی‌بخش دیده معرفی شده‌اند. همچنین در تشبیه موجود در مصراع «تا کی کنی قبول خسان را چو کهربا» (همان: ۵۵۱) خاقانی به خاصیت کهربا اشاره دارد. البته در ابیات دیگری در تشبیه «رخسار زرد عاشق» به «کهربا»، رنگ آن نیز مورد توجه قرار گرفته است.

نکته قابل توجه دیگر، تشبیهاتی است که گوهرها در آن مشبه

هستند. اگرچه این تشبیهات در مقایسه با دسته اول بسیار اندک‌اند و گاه مشبه خود وجه استعاری دارد اما تصویرهای خاص و بدیعی در این نمونه‌ها خلق شده است:

از شکفه شاخسار جیب گشاده چو صبح/ ساخته گوی‌انگله دانه در
خوشاب (همان: ۴۷)

در او جرم گردون چو در قعر قلزم/ یکی ریگ پیروزه‌رنگ مدور
(همان: ۸۸۳)

می آفتاب زرفشان جام بلورش آسمان/ مشرق کف ساقیش دان
مغرب لب یار آمده (همان: ۳۸۹)

کارکرد بدیعی جواهرات

احاطه خاقانی بر گوهرشناسی و عقاید عوام در باب جواهرات به‌حدی است که وی علاوه بر آوردن نام جواهرات در برخی موارد به انواع بعضی جواهر چون در شهوار، در خوشاب، لعل پیازی، لعل پیکانی و ... نیز اشاره دارد.

راز سلیمانی شنو زان مرغ روحانی شنو/ اشعار خاقانی شنو چون
در شهوار آمده (همان: ۳۸۹)

از شکفه شاخسار جیب گشاده چو صبح/ ساخته گوی‌انگله دانه
در خوشاب (همان: ۴۸)

دریای گندنا رنگ از تیغ شاه گلگون/ لعل پیازی از خون یک یک
پشیز والش (همان: ۲۲۸)

به خون ساده ماند اشک و خاک سوده دارد رخ/ مگر رخ نعل
پیکان است و اشکم لعل پیکانی (همان: ۴۱۱)

بهترین انواع لعل، «احمر» بود و بهترین اصناف «احمر»، لعل
«کژدمکی» بود و بعد از او «پیازکی» (قزوینی، ۱۳۹۴: ۶۸).

پیکانی نیز نوعی از لعل باشد که بر شکل و هیأت پیکان است. لعلی که آن را به شکل پیکان تراشیده باشند و زنان از آن گوشواره سازند (غیاث اللغات). لعلی را گویند که به اندام پیکان باشد و از آن گوشواره کنند (برهان قاطع).

خاقانی با این شناخت و تسلط، آرایه‌های زیبایی از این نام‌ها ساخته است. ساده‌ترین آن مراعات نظیر است که در ابیات بسیاری از جمله ابیات زیر وجود دارد:

اینک دهنم بر صفت گنبده گل/ این گنبد پیروزه به یاقوت و زر

آکند (خاقانی، ۱۳۸۲: ۷۵۹)

چو به خنده بازیابم اثر دهان تنگش / صدف گهر نماید شکر
عقیق رنگش (همان: ۶۳۳)

چنان که مشاهده می‌شود مراعات نظیرهای شعر خاقانی اغلب با سایر آرایه‌ها و ارکان بیانی به ویژه استعاره همراه بوده و از این طریق زیبایی آنها دوچندان می‌شود.

در مصراع «در خوشاب را لبست سخت خوش آب می‌دهد» (همان: ۶۱۵) نیز با بهره‌گیری از لفظ «خوشاب» افزون بر تشبیه مضمر تفصیلی که پیش‌تر بدان اشاره شد، جناس مرکب زیبایی خلق کرده است.

لف و نشر نیز یکی از آرایه‌های مهم است که با به کارگیری نام جواهر مضامین زیبایی در شعر خاقانی می‌آفریند:

کار جزع و لعل توست آزدن و بنواختن/هرکه را این بشکند آن
مومیایی می‌دهد (همان: ۵۲۶)

در موارد معدودی چون بیت «چو پیکانش از حصن ترکش برآید/بر این حصن فیروزه غضبان نماید» (همان: ۱۳۲) نیز خاقانی با اشراف به نام‌های انواع گوهر، موفق به خلق ایهام تناسب‌های هنرمندانه‌ای شده است. در این مورد از آنجا که «فیروزه پیکانی» یکی از انواع فیروزه است لفظ پیکان به این نوع از فیروزه ایهام تبادر دارد.

اما آنچه در حوزه استفاده از گوهرها در ساخت آرایه‌های بدیعی بیش از سایر صناعات، قابل بحث و بررسی است در دایره تلمیح می‌گنجد:

به باد نمرد از سهم کرکس پران / به ریش فرعون از نظم لولوی
خوشاب (همان: ۵۵)

که در سایر متون ادبی نیز بدان اشاره شده است:

توانگر فاسق کلوخ زراندود است و درویش صالح شاهد خاک آلود.
این دلق موسی است مرقع و آن ریش فرعون مرصع (سعدی، ۱۳۷۳: ۱۸۳).

در بیت «بگریم تا مرا بینی سلیمان نگین رفته/بخندی تا ز یاقوت سلیمان را نگین خیزد» (خاقانی، ۱۳۸۲: ۶۰۰) نیز خاقانی به یاقوت بودن نگین سلیمان اشاره دارد.

افزون بر مواردی از این دست، باید توجه داشت که از گذشته بین

علوم مختلف و شعر رابطه‌ای دوسویه وجود داشته تا جایی که نظامی عروضی معتقد است «شاعر باید ... در انواع علوم متنوع باشد و در اطراف علوم مستطرف؛ زیرا چنان که شعر در هر علمی به کار همی‌شود هر علمی در شعر به کار همی‌شود (نظامی عروضی، ۱۳۸۰: ۴۷).

در اشعار خاقانی می‌توان با بسیاری از آداب و رسوم و معتقدات مردم آشنا شد. طالع‌بینی، حرز و تعویذ، دیو، چشم‌زخم، خجستگی هما و شوم بودن جغد و کلاغ، سگ‌جانی، مار افسایی، ریختن زبیق در گوش، ارتباط ماه و اژدها، مهرگیا، تبدیل سنگ به زر و جواهرات، صدف و گشاده‌دهان بودن آن، خواب بد دیدن و تعبیر بد کردن، از باورها و اعتقادات عامه‌ای هستند که در شعر خاقانی عرصه‌ای برای آفرینش مضمون و هنر شاعر شده‌اند (زنگنه و مهرکی، ۱۳۹۹: ۱۲۸). در واقع یکی از ویژگی‌های مهم و متمایزکننده دیوان خاقانی، انعکاس باورهای مختلف مردم، از آداب و رسوم اجتماعی و فرهنگی مردمان آن روزگار تا بازی‌های کودکان و اعتقادهای خرافی رایج در بین مردم جامعه زمان خود است. باورهای عامه و گاه خرافی که در روزگاران گذشته برای درمان بیماری‌های مختلف تجویز می‌شده، در بین آثار کهن ادب فارسی، بیش از همه در دیوان خاقانی شروانی بازتاب پیدا کرده است (منصوری، ۱۳۹۸: ۹۷).

خاقانی در کاربرد این سنگ‌ها بیش از هرچیز به خواص و ویژگی‌های آنها اشاره دارد. در این گستره گاه وارد حوزه گوهرشناسی می‌شود و به خواص جواهر اشاره دارد:

ای سفته در وصل تو الماس ناکسان/تا کی کنی قبول خسان را
چو کهربا (خاقانی، ۱۳۸۲: ۵۵۱)

پیروزه‌وار یکدم بر یک صفت نیایی/تا چند خس پذیری آخر نه
کهربایی (همان: ۸۰۵)

اما در این میان گاه به مواردی تخصصی‌تر برمی‌خوریم که در شعر سایر شاعران کم‌نظیر و شاید بی‌نظیر است. خاقانی در بیت «در آن چه عیب که از سرب بشکند الماس/هنر در آن که ز الماس بشکند پولاد» (همان: ۸۵۰) به نکته مهمی در علم جواهر اشاره دارد و آن این که از جمله صفات الماس آن است که در سندان به مطرکه شکسته نمی‌شود مگر به حیل و حیل شکستن او چنان است که الماس را در میان اسرب نهند و مطرکه آهسته آهسته بر او زند تا در میان اسرب شکسته گردد و بعضی گفته‌اند که اسرب را بر سندان به‌جهت آن می‌نهند که الماس از روی

الواح می‌نوشتند و نگه می‌داشتند یا بر بر و بازو و گردن خود می‌آویختند یا می‌بستند (زنگنه و مهرکی، ۱۳۹۹: ۱۳۷).

یکی از تعویذهای روزگار خاقانی «پتر» نام داشته (معدن کن، ۱۳۷۵، ج: ۱، ۲۶۷) و پتر، تُنکۀ طلا و نقره و مس و برنج و امثال آن را گویند که در آن اسما و طلسمات و تعویذ نقش کنند. برخی نیز «پتر» را پاره‌های آهن یا مس یا برنز پهن شده و احیاناً مطلا دانسته‌اند که ممکن است که زرین و حتی گلین هم باشد که در آنها اسما و طلسمات و دعاهایی برای حفظ جان کودکان و بیماران نقش می‌کنند (ماهیار، ۱۳۸۳، ۲۱۹).

اما جز این فلزات ارزشمند، سنگ‌های قیمتی و به تعبیری گوهرها نیز در طب سنتی جایگاه ویژه‌ای دارند. شواهد تاریخی غیر قابل انکاری مؤید آن است که این نگاه به سنگ‌های قیمتی و نیمه‌قیمتی به دوره باستان باز می‌گردد و پیش از جهان اسلام در مغرب‌زمین رواج داشته است. اگرچه تحت تأثیر عوام برخی از خرافات و گرافه‌گویی‌ها در علم جواهرشناسی راه یافته، آنچه بر قوت این علم می‌افزاید، توجه حکما و اطباء بزرگ شرق و غرب به آن است. تا حدی که می‌توان ادعا کرد اکثر منابع مهم و مراجع اصلی طب سنتی و نیز فروع آن چون داروسازی، به تأثیرات این احجار و فلزات در درمان بسیاری از بیماری‌های جسم و روح انسان پرداخته‌اند.

امروزه نیز مطالعات و تحقیقات علمی بسیاری در غرب بر بررسی تأثیر این مواد بر سلامت انسان متمرکز شده است. بدیهی است به سبب پیشرفت‌های بسیار علم داروسازی، مفروضات و داروهای حاوی سنگ‌های قیمتی و نیمه‌قیمتی و نیز فلزات، جایگزین‌های مؤثر مقرون به صرفه‌تری یافته اما همچنان بهره‌گیری از انرژی این سنگ‌ها برای ارتقای سلامت مد نظر طب سنتی و نیز مدرن است.

خاقانی در موارد متعددی به این مسأله توجه دارد و در اشعار خود مضامین زیبایی بسیاری را با استفاده بلاغی از این علم خلق کرده است که نشان از احاطه وی بر موضوع و توجه خاصش به این مسأله دارد. یکی از پربسامدترین خواص طبی مورد توجه خاقانی فایده یاقوت در دفع و باست:

خاک درگاهت دهد از علت خذلان نجات/کاتفاق است این که از یاقوت کم گردد وبا (خاقانی، ۱۳۸۲: ۲۲)

کان یاقوت و پس آنگاه و با ممکن نیست/شرح خاصیت آن کان

سندان بجهد و لهذا اگر به جای اسرب وصله‌ای موم یا پاره‌ای کاغذ باشد الماس شکسته گردد. و حیلۀ دیگر آن است که الماس را در پاره‌ای شمع گیرند و در میان نی نهند و مطرقه رصاص، نرم نرم بر او زنند تا الماس شکسته گردد در میان آن نی؛ یا آن که الماس بی‌موم در نی نهند و مطرقه‌ای محکم، نرم نرم بر او زنند (قزوینی، ۱۳۹۴: ۵۸ و ۵۷).

و گاه چون مصرع «لعلی به صد هزار بدخشان بها شود» به خاستگاه گوهر، ماده تشکیل‌دهنده یا فرایند ایجاد آن اشاره می‌کند:

با این همه امید به بهبود توان داشت/کان قطره تلخ است که شد لولوی خوشاب (خاقانی، ۱۳۸۲: ۵۶)

شاه جهان ابر ذات و بحر صفات است/زان صدف ملک از او چنین گهر آورد (همان: ۱۴۹)

دروغ است آن کجا گویند کز سنگ/فروغ خور عقیق اندر یمن ساخت

دل یار است سنگین پس چه معنی/که عشق او عقیق از چشم من ساخت (همان: ۵۷۴)

اما عمده اشارت او به خواص طبی جواهر برمی‌گردد. یکی از وجوه مطالعه در فرهنگ عامه، مطالعه و بررسی نوع باورها و چگونگی عقاید مردم در مواجهه با بیماری‌هاست. ازسویی در گذشته و حتی اکنون در مناطقی، در کنار طب سنتی، طب عامیانه رواج دارد. طب عامیانه آمیزه‌ای از خرافات و باورهای نادرست و گاه نشانه‌هایی از طب سنتی است. وجود بیماری‌های فراوان به‌دلیل نبود سواد و بهداشت و در دسترس نبودن پزشکان چیره‌دست، زمینه‌های رشد این باورها را بیشتر می‌کرد (ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱۳۸).

به‌کارگیری افسون، جادو و روش‌های جادوپزشکانه در درمان بیماری‌ها وجود دارد. این‌گونه باورها در پزشکی سنتی نیز دیده می‌شود که از سنت‌های پزشکی پیش از اسلام و قبل از آشنایی و تأثیر پزشکی یونانیان به طب دوره اسلامی نیز راه یافت (اولمان، ۱۳۸۳: ۸۶).

بررسی‌های بیشتر در اعتقادات مردم نشان می‌دهد که آنان برخی تعویذها را برای دور کردن شیاطین و در امان ماندن از گزند آنان با آب و زعفران یا آب طلا و نقره آمیخته به مشک در کاغذ یا

به خراسان یابم (همان: ۲۹۸)

اعتقاد به خاصیت زمرد در ترکاندن چشم افعی نیز مورد دیگری است که خاقانی بارها با اشاره بدان مضامین هنری زیبایی آفریده است:

گوئی خم صرع دار شد چرخ/ کان زرد کف از دهان برانداخت این افعی زمردین بپیچید/ مهره به سر زبان برانداخت (همان: ۵۰۷)

وگر فعل ارقم کند من که چرخم/ زمرد جز از بهر ارقم ندارم (همان: ۲۸۵)

فلک افعی تن زمرد سلب است/ دفع این افعی پیچان چکنم؟ (همان: ۲۵۱)

دیگر از شایع ترین مضامین خاقانی در موضوع مورد بررسی، اشاره به ترکیب مفرحات و خواص آن است. وی بارها به مفرح حاصل از ترکیب یاقوت و زر اشاره دارد:

معانی اش همه یاقوت بود و زر یعنی / مفرح از زر و یاقوت به برد سودا (همان: ۳۰)

عاشقان از زر رخساره و یاقوت سرشک / بس مفرح که ز یاقوت و زر آمیخته اند (همان: ۱۱۶)

وی در مواردی چون بیت «ساغر از یاقوت و مروارید و زر/ صد مفرح در زمان آمیخته» (همان: ۴۹۱) به خاصیت فرح بخشی مروارید نیز اشاره کرده است. در طب قدیم برآنند که اگر مروارید را مصلوب کنند و در مفرحات به کار دارند دل را قوت دهد و خون دل را صافی کند و روح را قوت دهد و دفع مواد سودایی کند و خفقان و ضعف دل را نابود و خوف و فزع را که ماده سوداست دفع کند و مدد روح حیوانی کند (جوهری نیشابوری، ۱۳۸۳: ۱۷۸). ابو علی سینا نیز مروارید را در زمرة ادویه قلبیه و مقوی و مفرح دل دانسته است (ابن سینا، ۱۳۸۷: ۱۶۳). این تأثیر گذاری به حدی است که صاحب تحفه، مروارید را در تفریح قوی تر از طلا دانسته است (حکیم مؤمن، بی تا: ۷۷۴-۷۷۳).

از دیگر خواص دُر که خاقانی بدان نظر داشته در بیت «پیش کان گوهر تابنده به تابوت کند/ تاب دیده به دو یاقوت و درر باز دهید» نمود یافته است. در این بیت شاعر ضمن لزوم اشک باری بر سر تابوت عزیز، با نظر به این که در را در داروهای چشم به کار دارند به سبب آن که نافع بود اعضای را که حامل روح باصره اند (جوهری نیشابوری، ۱۳۸۳: ۱۷۸) و اکتحال آن جهت رمد و سلاق و ظلمه و بیاض و سبل و کمنه مفید است (حکیم مومن،

بی تا: ۷۷۴) اشک را به در که روشنایی بخش چشم است مانند کرده.

وی در ابیات دیگری نیز به مفرح بودن مرجان اشاره دارد:

غمناک بود بلبل گل می خورد که در گل/ مشک است و زر و مرجان وین هر سه هست غم بر

مانا که باد نیسان داند طبیبی ایرا / سازد مفرح از زر مرجان و مشک اذفر (خاقانی، ۱۳۸۲: ۱۹۲)

قدما مرجان یا بسد را مفرح دانسته و در زمرة داروهای تقویت قلب قرار داده اند. ایشان بر این باورند که مرجان خون دل را صافی کند و روح را مدد دهد (انصاری شیرازی، ۱۳۷۱: ۶۵؛ کاشانی، ۱۳۸۶: ۱۴۵).

در موارد متعددی چون ابیات زیر نیز خاقانی در بیانی استعاری به ارتباط جزع با عروس و حجله اشاره دارد:

به دو مخمور عروس حبشیت/ خفته در حجله جزع یمنت (خاقانی، ۱۳۸۲: ۵۶۸)

به جزعین پرده و قیری عروسان/ امیران را شبستان تازه کردی (همان: ۶۷۶)

جزع زینت زنان جزیره العرب است. قطع نفث الدم کند و مضرت نفاس را از زن دور کند؛ به طوری که اگر موی زنی به جزع بپیچند در وقت زاییدن او به آسانی بزاید در زمان (قزوینی، ۱۳۹۴: ۱۱۴ و ۱۱۵).

انتخاب کلمات در بیت «به کوه برق مئانه ز سنگ پاره لعل/ به بحر ماه مشیمه ز نور بچه ناب» (خاقانی، ۱۳۸۲: ۵۲) نیز نشانه اشراق خاقانی بر خاصیت طبی لعل اسپسارتیت در تقویت کلیه ها، مئانه و اشتهاست.

نتیجه گیری

بر اساس یافته های این پژوهش، جواهرات در شعر خاقانی نمود قابل توجهی دارند. این نمود گاه به منظور توصیف تخت و تاج پادشاهی و ... و در معنای حقیقی است اما در بسیاری از موارد با کارکرد بلاغی همراه است. در این میان کارکرد استعاری گوهرها بسیار پر بسامد است و در مواردی نیز جواهرات در ساخت استعاره های ترکیبی به کار گرفته شده اند. استعاره گوهرهای سرخ از «اشک» و «دل خونین» در مراثی و «می» و «لب معشوق و

ممدوح» در غزلیات و قصاید خاقانی پرتکرارترین تصویرسازی در این حیطه است و لعل که جواهری از اشباه یاقوت است با دلایل احتمالی علاقه خاص شاعر، کارکرد بالا در سنت‌های ادبی پیشین و حتی تک‌هجایی بودن کلمه و سهولت استفاده از آن در دل وزن‌های مختلف بسیار مورد توجه شاعر بوده است. گوهرهای سرخ بعدی یاقوت و عقیق است که البته با بسامدی بسیار کمتر از نظر کارکرد بلاغی در شعر خاقانی شباهت بسیاری به لعل دارند. همچنین خاقانی انواع تشبیهات ساده اضافی و غیر اضافی، مضمّر، مرکب، تفضیل، جمع و ملفوف را با استفاده از جواهرات ساخته و در موارد قابل توجهی از ساخت چندلایه استعاری-تشبیهی در ایجاد صور خیال پیچیده بهره برده است. از حیث بدیع نیز گوهرها در خلق آرایه‌های مراعات نظیر، جناس، لف و نشر، ایهام تبادر و تلمیح به کارگرفته شده‌اند که مورد آخر به تفضیل مورد بررسی قرار گرفته است.

تعارض منافع

هیچ گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

فهرست منابع

- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۸۵). *قانون*. ترجمه عبدالرحمن شرف‌کندی. تهران: سروش.
- اتحادی، حسین (۱۴۰۰). ارتباط تصاویر حیوانی با عاطفه، روحيات و باورهای خاقانی. *پژوهشنامه ادب غنایی*، ۱۹ (۳۶)، ۹-۲۸.
- احمدی، بابک (۱۳۸۶). ساختار و تأویل متن. تهران: نشر مرکز.
- انصاری شیرازی، علی بن حسین (۱۳۷۱). *اختیارات بدیعی*. تصحیح محمدتقی میر. تهران: پخش رازی.
- اولمان، مانفرد (۱۳۸۳). *طب اسلامی*. ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: توس.
- فلمار، کلاوس برند (۱۳۷۶). *رنگ‌ها و طبیعت شفا بخش آنها*. ترجمه شهناز آذرنیوش. تهران: ققنوس.
- پارسا، سید احمد و پناهی، فردین حسین (۱۳۹۰). استعاره‌های ترکیبی، گونه‌ای نویافته از استعاره در سروده‌های خاقانی شروانی. *شعر پژوهی (بوستان ادب)*، ۲ (۷)، ۵۰-۲۵.
- پاشایی فخری، کامران؛ پاشایی، محمد و دهقانی، مسعود (۱۳۹۵). کارکرد روانشناختی عنصر رنگ در مرثی خاقانی برای فرزندش. *دوفصلنامه زبان و ادبیات فارسی*، ۲۴ (۸۱)، ۳۴-۴۸.
- جوهری نیشابوری، محمدبن ابی البرکات (۱۳۸۳). *جواهرنامه نظامی*. تصحیح ایرج افشار و محمد رسول دریگشت. تهران: میراث مکتوب.
- حکیم دانا (بی تا). *تحفه حکیم دانا*. تهران: کتاب فروشی محمودی.
- خاقانی شروانی، افضل‌الدین بدیع (۱۳۸۲). *دیوان خاقانی*. تصحیح سید ضیاءالدین سجادی. چاپ هفتم. تهران: زوار.
- رادفر، ابوالقاسم و اسماعیلی تازه‌کندی، اصغر (۱۳۹۰). مضمون‌سازی با برخی احجار کریمه در شعر شاعران سبک آذربایجانی. *کهن‌نامه ادب پارسی*، ۲ (۲)، ۵۳-۲۵.
- زاوش، محمد (۱۳۷۵). *کافی شناسی در ایران قدیم*. چاپ دوم. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- زنگنه، حسین و مهرکی، ایرج (۱۳۹۹). خاقانی و باورهای عامیانه درباره جانوران. *تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)*، ۱۲ (۴۴)، ۱۶۱-۱۲۷.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۲). درمان عامیانه نزد مردم ایران. *طب سنتی اسلام و ایران*، ۴ (۲)، ۱۶۰-۱۳۸.
- ذوالفقاری‌وند و انانی، پروانه (۱۳۹۵). *جواهرات و بازتاب مضامین شاعرانه و اشارات طبی عامیانه آنها در دیوان خاقانی*. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد تهران مرکز.
- سان، هوارد و سان، دوروتی (۱۳۷۸). *زندگی با رنگ*. ترجمه نغمه صفاریان. تهران: حکایت.
- سعدی، مشرف‌الدین مصلح بن عبدالله (۱۳۷۳). *گلستان سعدی*. تصحیح غلامحسین یوسفی. چاپ سوم. تهران: خوارزمی.
- شرافتی‌نژاد، سمیرا (۱۳۸۷). *بررسی باورهای عامیانه در دیوان خاقانی*. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه بین المللی امام خمینی.

- شمیسا، سیروس (۱۳۷۴). *سبک شناسی شعر*. تهران: فردوس.
- صالح نساج، سیما (۱۳۹۷). *بررسی سبک‌ها و فنون در دیوان خاقانی*. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور اهواز.
- عطاری، یوسفعلی و فلاحی، رضا (۱۳۸۲). *روانشناسی رنگ و تبلیغات*. تهران: گلگشت.
- قزوینی، محمدبن مبارکشاه (۱۳۹۴). *جواهرنامه*، تصحیح سمانه جعفری، آبادان: پرسش.
- کاشانی، ابوالقاسم عبدالله (۱۳۸۶). *عرایس الجواهر و نفایس الاطایب*. به کوشش ایرج افشار. تهران: المعی.
- کزازی، میر جلال الدین (۱۳۶۸). *رخسار صبح*. تهران: نشر مرکز.
- ماهیار، عباس (۱۳۸۳). *تعویذ در شعر خاقانی*. *زبان و ادبیات فارسی*، شماره ۴۹-۴۷، ۲۲۸-۲۱۳.
- مدرسی، فاطمه و فتاحی قاضی، فوزیه (۱۳۹۰). *بازتاب گیاهان دارویی در دیوان خاقانی*. *زبان و ادب فارسی*، ۳(۶)، ۲۲۶-۲۰۷.
- مشهدی، محمدمیر؛ واثق عباسی، عبدالله و دهرامی، مهدی (۱۳۸۹). *استعاره‌های نو و چندلایه در شعر خاقانی*. *فنون ادبی*، ۲(۲)، ۸۱-۹۶.
- معدنکن، معصومه (۱۳۷۲). *بزم دیرینه عروس*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- (۱۳۷۵). *نگاهی به دنیای خاقانی*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- منصوری، مجید (۱۳۹۸). *دواندن خروس برای دفع گزند؛ یک‌باور عامه طبیبی در دیوان خاقانی*. *فرهنگ و ادبیات عامه*، ۷(۲۷)، ۹۷-۱۱۰.
- منوچهر دانایی، محسن (۱۳۷۶). *فرهنگ گوهرشناسی*. به کوشش محمد علی بیداخویدی. تهران: مؤسسه فرهنگی عابد زاده.
- مهدوی فر، سعید (۱۳۹۲). *پژوهشی در داروهای حیوانی دیوان خاقانی*. *متن شناسی ادب فارسی*، ۴۹(۴)، ۹۹-۱۲۰.
- نظامی عروضی، احمدبن عمر بن علی (۱۳۸۰). *چهار مقاله*. تصحیح محمد قزوینی. به اهتمام محمد معین. چاپ دوازدهم. تهران: جامی.
- ## References
- Ahmadi, B. (۲۰۰۷). *Text Structure and Interpretation*. Tehran, Markaz. (in persian)
- Attari, Y. & Fallahi, R. (۲۰۰۳). *Psychology of Color and Advertising*. Tehran, Golgasht. (in persian)
- Ansari Shirazi, A. (۱۹۹۲). *Ekhtiyarat-e Badii*. Mohammad Taghi Mir (emend.), Tehran, Razi. (in persian)
- Ettehadi, H. (۲۰۲۱). Relationship Between Animal Images and Khaghani's Emotion, Tempers, and Beliefs. *Lirycal Literature Researches*, 19(36), 9-28. (in persian)
- Ghazvini, M. (۲۰۱۵). *Javahername*. Samane Jafari (emend.), Abadan, Porsesh. (in persian)
- Hakim Dana. *Tohfe Hakim Dana*. Tehran, Mahmoodi. (in persian)
- Ibne Sina, H. (۲۰۰۶). *Ghanoon*. Abdolrahman Sharafkandi (trans.), Tehran, Soroosh. (in persian)
- Jowhari Neyshaboori, M. (۲۰۰۴). *Javahername Nezami*. Iraj Afshar & Mohammad Rasool Daryagasht (emend.), Tehran, Miras-e Maktoob. (in persian)
- Kashani, A. (۲۰۰۷). *Arayes al-Javaher va Nafayes al-Atayeb*. Iraj Afshar (emend.), Tehran, Almai. (in persian)
- Kazazi, M. (۱۹۸۹). *Morning Face*. Tehran, Markaz. . (in persian)
- Khaghani Shervani, A. (2003). *Khaghani's Divan*. Sayyed Zeya al-din Sajjadi (emend.), 8th ed., Tehran, Zavvar. (in persian)

- Language and Literature*, 24 (81), 34-48. (in persian)
- Radfar, A. & Esmaili Tazekandi, A. (2011). Guarantying with some Jewelries in Azerbaijani Style. *Classical Persian Literature*, 2(2), 25-53. (in persian)
- Sadi, M. (1994). *Golestan*. Gholam Hosayn Yoosefi (emend.), 3th ed., Tehran, Kharazmi. (in persian)
- Salehnassaj, S. (2018). *Investigating stones and metals in the Khaghani's Divan*. Master's Thesis of Payam Noor University of Ahvaz. (in persian)
- San, H. & San, D. (1999). *Life with Color*. Naghme Safariyan (trans.), Tehran, Hekayat. (in persian)
- Shamisa, S. (1995). *Poetry stylistics*. Tehran, Ferdows. (in persian)
- Sherafatinezhad, S. (2008). *Investigation of Popular Beliefs in the Khaghani's Divan*. Master's Thesis of Imam Khomeini International University. (in persian)
- Ullmann, M. (2004). *Islamic Medicine*. Fereydoon Badrehi (trans.), Tehran, Toos. (in persian)
- Vollmar, K. (1997). *Colors and their healing nature*. Shahnaz Azarniush (trans.), Tehran, Ghoghnoos. (in persian)
- Zanganeh, H. & Mehraki, I. (2020). Khaghani and Folk Beliefs About Animals. *Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Tests (Dekhoda)*, 12(44), 127-161. (in persian)
- Zavosh, M. (1996). *Mineralogy in Ancient Iran*. Tehran, Institute for Humanities and Cultural Studies. (in persian)
- Zolfaghari, H. (2013). Treatment of the common people. *Islamic and Iranian Traditional Medicine*, 2(4), 138-160. (in persian)
- Madankan, M. (1993). *The Ancient Ceremony of the Bride*. Tehran, University Publication Center. (in persian)
- Madankan, M. (1996). *Glimpses of Khaghani's World*. Tehran, University Publication Center. (in persian)
- Mahdavifar, S. (2013). A Research on Animal Medicines of Divan Khaghani. *Textual Criticism of Persian Literature*, 49 (4), 99-120. (in persian)
- Mahyar, A. (2004). Taaviz in the Khaghani's Poetry. *Persian Language and Literature*, 47-49, 213-228. (in persian)
- Mansouri, M. (2019). Cock Running for Scapegoating: A Folk Medical Belief in Khāghāni's Divan, *Culture and Folk Literature*, 7(27), 97-110. (in persian)
- Manoochehr Danai, M. (1997). *Dictionary of Gemology*. by the efforts of Mohammad Ali Bidakhoidi, Tehran, Abedzadeh Cultural Institute. (in persian)
- Mashhadi, m., Vasegh Abbasi, A. & Dehrani, M. (2010). New and Multi-layered Metaphors in Khaghani's poem. *Literary Arts*, 2(2), 81-96. (in persian)
- Modarresi, F. & Fattahi Ghazi, F. (2011). Refflection of Treatment Plants in the Khaghani Poems. *Persian Language and Literature*, 3(6), 207-226. (in persian)
- Nezami Arooz, A. (2001). *Chahar Maghale*. Mohammad Ghazvini (emend.), by the efforts of Mohammad Moin, 12th ed., Tehran, Jami. (in persian)
- Parsa, A. & Panahi, F. (2011). Synthesized Metaphors, a Newly Discovered Metaphor, in Khaghani Shervani's Poems. *Poetry Studies (Boostan-e Adab)*, 2(7), 25-50. (in persian)
- Pashai Fakhri, K., Pashai, M. & Dehghan, M. (2016). The Psychological Function of Colour in Khaqani's Elegies for His Son, *Persian*

Divan. Master's Thesis of Central Tehran Azad University. (in persian)

References

- Deylami, A. (2017). "The Doctrine of Anticipatory Breach of Contract and Logic to Solve the 27-52 URL: <http://clr.modares.ac.ir/article-20-2788-fa.html> (in Persian)
- DiMatteo, L. A., Infantino, M., Wang, J., & Monaco, P. (2021). *Probs.*, 31, 33.
- Du Bois, F. (2022). "Developing Good Faith: Equality, Autonomy and Fidelity to the Bargain". *Constitutional Court Review*, 12(1), 223-259. <https://doi.org/10.2989/CCR.2022.0009>.
- Ebrahimi, Y. (2010). "A Comparative Study on the Notion and Effects of Good faith in Formation, Interpretation and Performance. 2009.17285 (in Persian)
- Eftekhari Jahromi, G., & Shahbazinia, M. (2004). "A Study American Law". *International Law Review*, 21(30), 5-73. Doi: 10.22066/Cilamag.2004.18022 (in Persian)
- Faiz, M., Khandani, S.P. (2020). "Staple rule and security in legal transactions and relations". *Iranian Quarterly Journal of Social Development Studies*, 12(4), 151-161. https://journals.srbiau.ac.ir/article_16596.html (in Persian)
- Gaillard, E. (2017). "Abuse of process in international arbitration". *ICSID Review-Foreign Investment Law Journal*, 32(1), 17-37.
- Zolfaghari Vand Vanani, P. (2016). *Jewelry and the reflection of their poetic themes and folk medical references in the Khaghani's*
- Gaillard, E., & Bernardini, P. (1993). *Transnational rules in international commercial arbitration*.
- Garnett, R. (2021). "Estoppel and enforcement of international arbitration awards". *Australian Law Journal*, 1, 337-339.
- Hayes, D.K., Ninemeier, D. (2024), *Managing Employees in Foodservice Operations*, Wiley.
- Hernández Palacios, J. (2018). *The good faith principle in international commercial law*.
- Hutchison, A., & Myburgh, F. (Eds.). (2020). *Research commercial contracts*. Edward Elgar Publishing.
- Keyes, M., & Wilson, T. (2016). *Codifying contract law: international and consumer law perspectives*. Routledge.
- Lin, Y. (2022). *China Arbitration Yearbook* (2021). Springer.
- Mills, A. (2022). The Role of the Courts in Reviewing Arbitral Tribunal Determinations on Substantive Jurisdiction.
- Mohammadi, G., Seyfi, G., & Karimian ravandi, M. (2021). "The will of the legislator and *The Judiciarys Law Journal*, 85(116), 283-307. doi: 10.22106/jlj.2021.520573.3856 (in Persian)
- Nowicki, E. A. (2007). "A faith". *Buff. L. Rev.*, 55, 457.
- Rahbar, N. (2014). "The legal apparatus for protecting foreign". *Legal Research Quarterly*, 17(65), 213-242. https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article_56153.html (in Persian)
- : 10.22059/Jolt.2016.59410 (in Persian)